

خوان اولیور به سال ۱۸۹۹ متولد شد. مدتی کوتاه وکالت کرد و سپس به ادبیات روی آورد. از سال ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۵ سه کتاب شعر منتشر کرد. از سال ۱۹۳۵ به بعد شروع به نوشتن نمایشنامه کرد و در سال ۱۹۳۸ نیز در این رشته با موفقیت روبرو شد و جایزه‌ای نیز دریافت کرد. در طی سال‌های جنگ‌های داخلی انجمن نویسندگان کاتالان را به وجود آورد. به دنبال شکست جمهوری خواهان ابتدا به فرانسه و سپس به شیلی رفت و تا سال ۱۹۴۸ به وطن باز نگشت. در سال‌های ۱۹۵۶ و ۱۹۶۱ نیز دو جایزه‌ی در زمینه دریافت کرد. تعدادی از آثار او عبارتند از: یک تراژدی در لی لی پوت، اعدام‌ها، سرزمین غرق شده‌گان، اخراجی‌های مزد گرفته

اخراجی‌های مزد گرفته

تصمیم گرفته‌ام که برای همیشه از این جا بروم:
آمین
ولی فردا باز خواهم گشت
زیرا پیر شده‌ام
و پاهایم که بر اثر نفرس ورم کرده
بسیار آزارم می‌دهند
اما روز بعد
که بر اثر نفرت جوان شدم
باز برای همیشه و همیشه از این جا خواهم
رفت. آمین
و روز بعد باز خواهم گشت
چون کبوتر مسافر
ابله چون او
اما نه با بی گناهی او
و نه با سیدی او
مسموم افسانه‌ها،
با خورجین سنگین کفرها،
با چشمان قی‌آلود، اندام برهم فشرده،
استخوان‌های بیرون زده
شاهزاده‌ی محروم حتی از رویاهایم،
زبانم را بریده‌اند، اخته‌ام کرده‌اند
طعمه‌ی حشرات شده‌ام

با ترن اخراجی‌های مزد گرفته می‌روم
به درآویخته‌ام،
زمینی که میراث ما بود
از من به دور می‌گریزد
زمین از میان پاهایم جست می‌زند
و مرا می‌راند
علف، سنگ:
نشانه‌های عشق، در پس شرم
آه! زمین بی آسمان
اما مرا نگاه کنید:
بار دیگر باز گشته‌ام.
تنها، تقریباً کور بر اثر جذام
فردا باز خواهم گشت
این بار شما را نخواهم فریفت
آری، آری: چهار دست و پا خواهم رفت
چون جد اعلامیم،
از راه‌های قاچاقچیان
تا مرز سیاه مرگ
آن‌گاه خود را به سوی ظلمات سوزان خواهم
افکند
جایی که همه چیز بیگانه است
جایی که در تبعید
خدای دیرین اجدادم زندگی می‌کند

